

عنوان مقاله:

شناخت شناسی «فطرت» از دیدگاه ملاصدرا و علامه طباطبایی

محل انتشار:

دوفصلنامه هستی و شناخت، دوره 7، شماره 2 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسندگان:

امیرحامد ولیان - دانشجوی دکتری معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور قم، قم، ایران.

عبدالحمید فلاح نژاد - استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور خرم آباد، لرستان، ایران.

خلاصه مقاله:

هنگامی که می‌خواهیم بحث «شناخت شناسی فطرت» را در دستگاه فکری صدرالمتألهین (ره) مورد سنجش قرار دهیم، علیرغم رویکرد مثبت وی در مواجهه با مثل افلاطون که مبنای پیشینی بودن ادراکات فطری است، نتیجه متفاوتی دریافت می‌کنیم؛ چراکه ملاصدرا (ره) بر اساس حرکت جوهری، قائل به پسینی بودن ادراکات است و ادراکات تصدیقی ماقبل از حواس را نمی‌پذیرد. وی بر این باور است که بر اساس مراتب عقل که پایین‌ترین مرتبه اش، استعداد محض بوده و خالی از هر گونه ادراکی است، نفس و به تبع آن فطرت به دلیل ذومراتب بودنشان، هم دارای امور زوال‌ناپذیر (مرتبه عقل مجرد تام) و هم دارای امور زوال‌پذیر (مراتب جمادی، نباتی و حیوانی) می‌باشند. علامه طباطبایی (ره) نیز پیدایش ادراکات را هم از راه حواس خارجی (حواس پنجگانه) و هم از راه حواس داخلی (قوای نفس) می‌داند و بر این باور است که ادراکات بدیهی همچون «نیازمندی معلول به علت» هرچند از راه حواس خارجی حاصل نمی‌شوند، اما ریشه در حواس داخلی دارند؛ چراکه قوای درونی ما قائم و محتاج به نفس است و این مطلب، از مفهوم «علیت» حکایت می‌کند. بنابراین بر اساس آراء ملاصدرا (ره) و علامه طباطبایی (ره) معرفت، تاسیس است نه تذکر. بر این مبنا مجاز هستیم «فطرت» را بازتعریف کرده و پیشینی بودن ادراکات بدیهی را از آن نفی کنیم و بر این باور باشیم که ادراکات فطری یعنی: مطلق ادراکات با فرض پسینی بودن آنها.

کلمات کلیدی:

شناخت شناسی، فطرت، ادراکات بدیهی، ملاصدرا، علامه طباطبایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1429175>

